



رابطه تمدنی امت وسط و ملت حنیف در قرآن کریم

کوثر قاسمی

چکیده

تمدن، آبرنظام مناسبات انسانی است. کلان‌ترین و جامع‌ترین نظام مناسبات انسانی در قرآن کریم، واژه «امت» است که از سایر مفاهیم اجتماعی قرآن به لفظ «تمدن» نزدیک‌تر بوده و خاستگاه عقلانی‌اش، ملت حنیف ابراهیمی است. بر اساس آیات قرآن، امت را انسان‌های حق‌گرا و توحیدی تشکیل می‌دهند، با این حال در آیه ۱۴۳ سوره بقره، تعبیر «أُمَّه وَسَطًا» ذکر شده و مفسران برآن‌اند که این تعبیر ناظر به افراد خاصی است. این پژوهش به دنبال آن است تا با بررسی نظرات مفسران فریقین و احتمال‌های مختلف، به کشف صحیح مصادیق امت وسط، جایگاه آن‌ها در نظام امت و ارتباط امت وسط با ملت حنیف بپردازد. نتیجه پژوهش چنین است که ملت حنیف برخاسته از فطرتی است که در میان همه انسان‌ها مشترک است. همه انسان‌های حق‌گرا و توحیدمدار در هر زمان و مکانی، از پیروان ملت حنیف ابراهیمی بوده و در لوای امت قرار دارند. الگوهای برتر این امت در امت وسط متجلی است و این افراد برگزیده، وظیفه هدایت سایر افراد امت را به عهده دارند.

واژگان کلیدی: امت، امت وسط، ملت حنیف، فطرت.

مقدمه

تمدن، آبرنظام مناسبات انسانی در حال تحول و تکامل دارای ویژگی سیستمی و خاستگاهی عقلانی است (بابایی، ۱۳۹۵، ص ۸۹). از میان مفاهیم اجتماعی قرآن نظیر بلد، قریه، مدینه و... امت کلان‌ترین و جامع‌ترین واژه‌ای است که جایگزین بسیار مناسبی برای تمدن می‌باشد.^۱ خداوند در قرآن کریم پیامبر گرامی اسلام (ص) و همه افراد امت را به پیروی از ملت حنیف فرا می‌خواند.^۲ با این حال در آیه ۱۴۳ بقره، تعبیر «امه وسطاً» مشاهده می‌شود که به نظر می‌رسد ناظر به افراد خاصی است و همه افراد امت را تشکیل نمی‌دهد.

اگر در نظام امت، همگان باید در زیر لوای ملت حنیف گرد آیند، پس امت وسط چه کسانی هستند؟ آیا وسط وصفی برای همه افراد امت است یا برای گروه خاصی به کار رفته است؟ اگر این تعبیر برای افراد خاصی است، این افراد در نظام امت، چه جایگاهی دارند؟ آیا فقط مصادیق امت وسط توانایی تبعیت از ملت حنیف را دارند یا بقیه افراد امت نیز باید از این آیین پیروی کنند؟ با توجه به این آیات نظام تمدنی امت در قرآن کریم چگونه است؟

۱. امت فراتر از تمدن در آینه قرآن، نقد و نظر، ۱۳۹۸.

۲. «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً» (نحل: ۱۲۳) و «فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً» (آل عمران: ۹۵).

۳. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً...».



به نظر می‌رسد برای شناخت بیش‌تر و بهتر نظام امت در قرآن کریم، باید اولاً: مصادیق امت وسط و نسبت آن‌ها با سایر افراد امت کشف شود، ثانیاً: جایگاه ملت حنیف ابراهیمی با توجه به این‌که پیامبر خاتم نیز ملزم به پیروی از این آیین شده، محل تأمل است و ثالثاً: نسبت امت وسط و ملت حنیف در نظام تمدنی امت بررسی شود. هرچند پژوهش‌هایی دربارهٔ امت وسط و ملت حنیف انجام شده،^۱ اما هیچ‌یک با دغدغهٔ تمدنی و البته مقایسهٔ نسبت و رابطه میان امت وسط و ملت حنیف به این دو نپرداخته است.

برای رسیدن به این مطلوب، نخست عبارت امت وسط و ملت حنیف مفهوم‌شناسی شده و سپس با توجه به آیهٔ ۱۴۳ بقره و آیات ملت حنیف، ارتباط ملت حنیف و امت وسط بررسی می‌شود. امت وسط فقط در آیهٔ ۱۴۳ بقره آمده و ملت حنیف در بیش از ده آیه قرآن به کار رفته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، نظرات مفسران مختلف دربارهٔ این آیات را بررسی و احتمالات مختلف را دسته‌بندی کرده است تا نهایتاً به درک بهتر و جامع‌تری از این آیات دست یابد.

مرکز پژوهش‌های اسلامی معصومیه

۱. مقالاتی نظیر: نقی غیائی و قدرت‌الله نیازی، امت وسط از دیدگاه مفسران فریقین، مطالعات تفسیری، ش ۲۵ و جعفر تابان، دین حنیف از دیدگاه قرآن، صحیفه مبین، ش ۲۳.



۱. مفهوم‌شناسی امت وسط

امت وسط، ترکیبی وصفی متشکل از دو واژه «امت» و «وسط» است. ریشه واژه امت به معنای «قصد چیزی را کردن» است (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ۵۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۶، ص ۱۶) و «این معنی در تمامی مشتقات این کلمه همواره وجود دارد» (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۴۹). امت به فرد یا جماعتی که به سوی هدف خاصی در حرکت هستند، اطلاق می‌شود. ریشه «امت» به مرجع، جماعت و دین نیز معنا شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۱)؛ زیرا همه آن‌ها به قصد و هدف خاصی نظر دارد. لغت‌شناسان واژه «وسطاً» را به معنای «اسما لما بین طرفی کل شی» (چیزی که بین دو شی قرار می‌گیرد) آورده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۷۹؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۵۲). هرچند واژه‌شناسان برای «وسطاً» هنگامی که صفت واقع می‌شود، معنای دیگری را نیز بیان کردند، نظیر: خیر و نیکوتر (ابن فارس، ۱۴۷۴ق، ج ۱، ص ۱۰۸)، چیزی که میان خوب و بد قرار دارد (فیومی، ۱۹۲۸م، ص ۹۰۸) و چیزی که بین افراط و تفریط قرار دارد (ابن منظور، ۱۳۷۳ق، ج ۷، ص ۴۲۹)، اما با دقت در همه این معانی، به نظر می‌رسد ریشه معنایی «وسط» همان «میان بودن» باشد.

عبارت «امه وسطاً» در آیه ۱۴۳ بقره مورد توجه بسیاری از مفسران قرار گرفته است و هر یک به دنبال ارائه تفسیری مناسب برای «امه وسطاً» هستند. نظرات مفسران درباره امت وسط را می‌توان در سه



دسته: ۱. همهٔ مسلمانان ۲. اصحاب پیامبر(ص) تابعان و اهل سنت
۳. اهل بیت(ع) جای داد.

الف) همهٔ مسلمانان، امت وسط هستند

برخی بر این باورند که «امه وسطاً» همهٔ مسلمانان را دربرمی گیرد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۱۹؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۸۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۴۴؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۷۴). بعضی از گویندگان این نظر، بر اساس فضای آیه ۱۴۳ بقره که دربارهٔ تغییر قبله مسلمانان است، معتقدند که خداوند امت مسلمان را همانند قبله‌شان میانه قرار داده است. طرفداران این دیدگاه دربارهٔ معنای «وسطاً» نیز نظرات گوناگونی بیان کردند. طبری، سیوطی و بغوی «وسطاً» را به «عدل» معنا کردند. ابن جوزی نیز به نقل از مقاتل، معنای «عدل» را برای «وسطاً» ذکر کرده است. «خیار» و «خیر» نیز معنای دیگری برای «وسطاً» است که مفسرانی نظیر طبری به صراحت آن را بیان کردند. فخر رازی نیز در التفسیر الکبیر به هر دو معنای «عدل» و «خیر» اشاره کرده است. بعضی از معتقدان این دیدگاه، وسط را به معنای میانه غلو و تقصیر، یهود و نصاری، افراط و تفریط و توجه به مادیات و معنویات می‌دانند. آن‌ها معتقدند امت مسلمان میانهٔ یهود و نصاری است؛ مسلمانان نه مثل نصاری هستند که دربارهٔ حضرت عیسی(ع) غلو کردند و نه همانند یهود که انبیاء را می‌کشتند (تقصیر). ابن جوزی نیز



در تفسیر این آیه، امت مسلمان را میانه نصاری و یهود می‌داند و علاوه بر سخن طبری، معتقد است که قبله نصاری سمت مشرق است و قبله یهود سمت مغرب و قبله مسلمانان میانه قرار دارد. بیش‌تر معتقدان این دیدگاه از اهل سنت هستند و گاه روایتی نیز در تأیید کلام خویش آورده‌اند؛ از جمله روایتی (از پیامبر یا صحابه) که مضمون آن بدین شرح است: «در روز قیامت، قوم نوح می‌گویند که برایشان نذیری نیامده و حجت بر آن‌ها تمام نشده لیکن حضرت نوح(ع)، پیامبر اسلام و امتش را شاهد بر تبلیغ رسالتش اعلام می‌کند و پیامبر(ص) و امت اسلام بر این مطلب شهادت می‌دهند (ر.ک: همان). تفسیر نمونه نیز «امه وسطاً» را به «همه مسلمانان» معنا کرده و مصداق کامل آن را اهل بیت(ع) می‌داند. در تفسیر نمونه، امت وسط به امتی معتدل از نظر عقیده، ارزش‌های مادی و معنوی، علم و در یک کلام معتدل در تمام جهات زندگی و حیات معنا شده است. این تفسیر علت شاهد بودن اسلام را اعتدال و وسط بودن مسلمان‌ها می‌داند و معتقد است چون مسلمانان در خط میانه قرار دارند، می‌توانند تمام خطوط انحرافی راست و چپ را ببینند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۸۳).

در ارزیابی این رویکرد باید گفت: درباره معانی که برای وسطاً ارائه شده، به نظر می‌رسد جمع این نظرات امکان‌پذیر باشد اما این که مصداق «امه وسطاً» همه مسلمانان باشند، قابل مناقشه است. بی‌شک



همه مسلمانان از یک درجه ایمانی برخوردار نیستند^۱ و حتی مسلمانانی هستند که فقط به لفظ مسلمان هستند و در عمل ایمانی ندارند.^۲ برخی تفاسیر نیز به نقد این دیدگاه پرداخته و معتقدند که خطاب آیه ۱۴۳ بقره متوجه همه مسلمانان نیست زیرا در میان مسلمانان افراد فاسق وجود دارد و قطعاً همه امت، عادل نیستند (صادقی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۸۲؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۲۰؛ طوسی، ج ۲، ص ۷). علامه طباطبائی رحمته الله نیز معتقدند که هیچ تناسبی میان وسط بودن (در معانی که ذکر شد) و شاهد بودن نیست. از نظر ایشان «امه وسطاً» شأن ویژه‌ای است که حتی نصیب مؤمنان هم نمی‌شود (چه رسد به افراد پایین‌تر).

ظاهراً چنین دیدگاهی در عصر معصومان (ع) هم وجود داشته و ایشان چنین فرموده‌اند: «عن ابی عمرو الزبیری، عن ابی عبدالله (ع) قال: (قال الله تعالى: و کذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیدا فان ظننت ان الله عنی بهذه الآیه جمیع اهل القبله من الموحدين، افتری ان من لاتجوز شهادته فی الدنيا علی صاع من تمر، یطلب الله شهادته یوم القیامه و یقبلها منه بحضره جمیع الامم الماضیه؟ کلا، لم یعن الله مثل هذا من خلقه، یعنی الامه التي وجبت لها دعوه ابراهیم (ع) کنتم خیر امه اخرجت للناس و هم الامه اوسطی، و هم خیر امه اخرجت

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» (نساء: ۱۳۶).

۲. «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات: ۱۴).



للناس؛ امام صادق(ع) می‌فرمایند: اگر گمان کنی خداوند از این آیه، همه اهل قبله را اراده کرده افترا بسته‌ای. زیرا کسی که شهادتش در دنیا برای صاعی خرما پذیرفتنی نیست چگونه شهادتش در روز قیامت پذیرفتنی است؟! در حالی که هرگز چنین نیست(بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۴۳؛ عروسی‌حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۲؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۲۰).

ب) اصحاب پیامبر، تابعان و اهل سنت مصادیق «امه وسطاً» هستند.

از عنوان فوق معلوم است که این نظر از سوی اهل سنت بیان شده است. بی‌شک مقام بالایی که برای «امه وسطاً» در آیه مورد نظر وجود دارد، شمار زیادی از افراد را بر آن داشته که گروه و فرقه خود را مختص به آن کنند. ابوحنیف معتقد است که جمهور معتزله به این آیه احتجاج می‌کنند بر این که اجماع امت، حجت است. قرطبی قول جماعت امت برای مصداق «امه وسطاً» را رد کرده و امت وسط را فقط در صحابه و تابعان خلاصه می‌کند و می‌گوید قول صحابه، درست و حجت است. در التبیان فی تفسیر القرآن نیز چنین آمده که اکثر فقها از این آیه استدلال می‌کنند که اجماع حجت است و خدا امت مسلمان را به عدول وصف کرده و شیخ طوسی ضمن رد این نظر معتقد است که در این آیه دلالتی برای حجیت اجماع وجود ندارد.

مفسران اهل سنت نه تنها برای چنین اختصاصی از آیه مورد نظر دلائل محکمی بیان نکردند بلکه برای ارتباط این اختصاص با حجیت



اجماع نیز برهانی ارائه نکردند. آلوسی مفسر بزرگ اهل سنت نیز قول حجیت اجماع از این آیه را قبول نمی‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۰۳).

ج) اهل بیت (ع)، مصداق «امه وسطا» هستند.

گروهی از مفسران، مصداق امت وسط را اهل بیت (ع) می‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۱۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۴۳؛ طوسی، ج ۲، ص ۵؛ صادقی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۸۲؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۲۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۷۷). علامه طباطبایی رحمته الله با ارتباطی که میان صدر و ذیل آیه برقرار کرده و معتقد است وسط بودن معنایی است که شهادت و شهداء را به دنبال دارد، مخاطبان این آیه را فراتر از افراد عادی و حتی مؤمنان می‌داند. به عقیده ایشان، چنین مقام کریمی (شهادت) شأن همه امت نیست و بلکه کرامت خاصه‌ای برای اهل بیت (ع) است. علامه طباطبایی رحمته الله، این آیه را همانند آیات تفضیل بنی اسرائیل، نسبت دادن وصف بعض به کل می‌داند که مراد خداوند بعضی افراد امت است اما کل امت مخاطب قرار گرفته است. کسانی که مراد از «امه وسطا» را اهل بیت (ع) می‌دانند، وسطیت را نیز «وساطت» معنا می‌کنند. یعنی اهل بیت را واسط میان پیامبر و مردم دانسته و با تأکید بر عبارت بعدی در آیه ﴿لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾، آن‌ها را گواهان بر سایر مردم می‌خوانند. در بین معتقدان



این نظر، مفسرانی هستند که معناهای عدل و خیر را نیز برای وسط پذیرفتند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۱۶؛ طوسی، ج ۲، ص ۵؛ صادقی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۸۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۷۸). به عنوان نمونه طبرسی امت پیامبر را عدل و وسط بین رسول و مردم می خواند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۷۷).

صاحب نظران برای دیدگاه خود، دلایل مختلفی را ارائه می کنند؛ از جمله دلایل درون متنی، دقت در صدر و ذیل آیه که پیامبر (ص) و مردم هستند و امت وسط بین آنها قرار دارد و همین طور مقام شهادت رسول و شهادت اهل بیت (ع) بر مردم را می توان نام برد. برای دلایل برون متنی نیز از روایات استفاده کردند. توجه به سیاق و ارتباط انتهای آیه قبل «يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» با ابتدای آیه مذکور، مطلب قابل توجهی است که در برخی از تفاسیر معتقدان این نظر مشاهده می شود (طوسی، ج ۲، ص ۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۰). با دقت در روایاتی که مصداق امت وسط را اهل بیت (ع) می دانند، کلیدواژه های مهمی نظیر: ۱. شهداء الله علی خلقه ۲. حججه فی ارضه ۳. بما عندهم من الحلال والحرام بما ضيعوا منه ۴. الينا يرجع الغالی و بنا يلحق المقصر ۵. خیر امه اخرجت للناس ۶. امه الوسطی ۷. نحن الائمة ۸. عدولا ۹. خیرا، استخراج می شود.

(د) نظریه مختار

هرچند نقدهایی به دیدگاه اول و دوم وارد است، اما به نظر می رسد



که نمی‌توان به کلی این نظرات را رد کرد. دیدگاه سوم نیز پرسش‌هایی را دربارهٔ آیه مذکور بی‌پاسخ گذاشته است. اغلب تفاسیر نیز نظرات گوناگون را بیان کرده و گاهی هیچ نقدی بر سایر نظرات وارد نکردند. در این میان به نظر می‌رسد می‌توان نظریهٔ دیگری را مطرح کرد که علاوه بر جمع سایر نظرات، دیدگاه مقبول‌تری را ارائه دهد.

آیه ۱۴۳ بقره، در مقام بیان فضیلت گروه خاصی است. در تفاسیر مختلف، این گروه، طیف متغیری از همهٔ مسلمانان تا تعداد اندکی (اهل بیت(ع))، را دربرمی‌گیرد. نقطه اشتراک تفاسیر این است که مخاطب آیه، قطعاً از مسلمانان است (ولا غیر) و پیروان سایر ادیان، جایگاه امت وسط را ندارند. بی‌شک خطاب آیه، متوجه جماعتی است که جماعت‌های دیگر مشمول آن نمی‌شوند. بیش‌تر تفاسیر از این نکته غافل نشدند که قطعاً در میان مسلمانان، انسان‌های فاسق وجود دارند و نمی‌توانند مخاطب این آیه کریمه باشند. این نکته به همراه سایر نقدهایی که ذکر شد، نشان می‌دهد منظور خداوند از این آیه، همهٔ مسلمانان نبوده و فقط افراد خاصی از مسلمانان مدّ نظر هستند. امت اسلام قطعاً دارای عدل، خیر و... است، اما آن‌هایی که نشان‌گران یا منادیان عدل و خیر هستند چه کسانی هستند؟ چه کسانی طلایه‌داران عدل و خیر و مصداق واقعی امت وسط در قرآن کریم هستند؟

در ادامهٔ آیه، خداوند متعال پیامبر را شاهد بر «امه وسطاً» خطاب کرده و «امه وسطاً» را (شاهد بر مردم) خطاب می‌کند. با توجه به این‌که





هیچ یک از تفاسیر، خطاب این آیه را متوجه غیرمسلمانان نمی‌دانند، الناس همان توده مسلمانان هستند که جدای از پیامبر و امت وسط در این آیه از آن‌ها یاد شده است؛ به گونه‌ای که پیامبر، شاهد بر امت وسط ﴿يَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ و امت وسط شاهد بر سایر مسلمانان ﴿لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ است.

قرآن کریم، حضرت محمد(ص) را اسوه حسنه معرفی می‌کند.^۱ آیاتی نظیر ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾،^۲ ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾،^۳ ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۴ و روایاتی که مصداق آیه مذکور را اهل بیت(ع) می‌دانند، جایگاه ویژه اهل بیت(ع) را در میان مسلمانان روشن می‌کند.^۵ اهل بیت(ع)، گنجینه‌های سعادت بشری و پیشوایان برتر امت هستند که شیعیان بدان معتقد بوده و برخی از علمای اهل سنت نیز

۱. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (احزاب: ۲۱).

۲. نساء: ۵۹.

۳. مائده: ۵۵.

۴. احزاب: ۳۳.

۵. بی‌شک اثبات ارتباط این آیات در مقام بیان جایگاه والای اهل بیت(ع) در نوشته‌های فراوانی انجام شده که مقاله حاضر از ذکر آن‌ها خودداری کرده و به نتیجه حاصل از این پژوهش‌ها، بسنده می‌کند.

بر شأن رفیع آنها اعتراف کردند. اما پرسشی که دیدگاه سوم، پاسخ آن را نمی‌دهد، این است که آیا در زمان غیبت امام معصوم (ع) امت وسط محقق نمی‌شود؟ پیش‌فرض مقاله حاضر بر امکان ایجاد تمدنی قرآنی در زمان غیبت معصوم (ع) است. حال اگر مصداق امت وسط، فقط اهل بیت (ع) هستند، چگونه ایجاد چنین امتی از سوی مسلمانان مقدور است؟ به نظر می‌رسد بتوان شق دیگری در مصداق امت وسطاً پیشنهاد داد؛ بی‌شک اهل بیت (ع) مصداق کامل و اتم امت وسط هستند، اما مصادیق امت وسط به این افراد محدود نمی‌شوند. دین اسلام برای تشکیل امت منسجم توحیدی، به افرادی نیاز دارد که در منصب‌های امت وسط قرار گرفته و سکان‌داری و هدایت عامه مردم را به عهده بگیرند. این افراد ویژه که قطعاً دارای مقام بالایی هستند، «شاهدان» بر سایر مردم نیز هستند. هرچند آیه ۱۴۳ بقره را می‌توان فضیلتی برای اهل بیت (ع) برشمرد اما آنها همانند پیامبر، الگوی مسلمانان هستند و افرادی باید با تلاشی خستگی‌ناپذیر، منصب «امه وسطاً» را به دست گرفته و در این جایگاه خطیر، امت را در مسیر صحیح خویش هدایت کنند. فیض کاشانی نیز در تفسیر صافی، علاوه بر آن‌که خطاب این آیه را متوجه معصومان (ع) می‌داند، خواص شیعه را با توجه به درجات‌شان داخل در این مقام برمی‌شمرد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ه‍.ق، ج ۱: ۱۹۶). به نظر می‌رسد این منصب به بزرگان شیعه محدود نمی‌شود؛ از میان



اهل سنت نیز بزرگانی باید در چنین جایگاهی ایفای نقش کرده و جامعه مسلمان اهل سنت را در مسیر امت راهنمایی کنند.

مصادیق «امه وسطاً» شاهدانی در دنیا و آخرت برای ارائه نمونه صحیح حرکت در مسیر امت هستند، تا مردم به آنها تأسی کنند. در بعضی تفاسیر اهل سنت، به وجه گزینشی و اصطفا‌ی امت وسط اشاره شده است. به عنوان نمونه زمخشری در الکشاف چنین می‌آورد: «در مکه شتر بادیه‌نشی را برای حج (از فردی) کرایه کردم و او گفت: «اعطنی من سطاتهنه» و منظورش گزیده‌ترین و مرغوب‌ترین دینارها بود، برای این‌که وسط درست میان همه اطراف جای می‌گیرد و به هیچ سوی نزدیک‌تر نیست» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۹). فخر رازی و بغوی نیز در بیان مراد و منظور آیه ۱۴۳ بقره به عبارت «لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا» استناد کردند (فخر رازی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۸۳؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۹۹).

مقام معظم رهبری نیز بارها مصداق «امه وسطاً» را از میان مردم ایران بیان کردند؛ با این توضیح که حرکت انقلاب اسلامی نمونه‌ای از امت وسط است که جوانان و مردم ایران با تلاش و عزم ایمانی خود، بر سایر مردم نمونه و گواه هستند و این خود نشان‌دهنده جایگاه والای امت ایران به عنوان امت وسط در نظام تمدنی امت است. حضرت آقا، مصداق امت را نه در اهل بیت (ع) خلاصه کردند و نه آن‌که به همه



مسلمانان تسری دادند بلکه ملت ایران را به جهت نقاط مثبتش، امت وسطایی می‌دانند که الگویی برای سایر مردم جهان است. ایشان می‌فرمایند: انشاءالله ایران الگوی آینده مردم دنیا باشد.^۱

برخی تفاسیر «وسط» را اعتدال و میانه افراط و تفریط، یهود و نصاری و... می‌دانستند. بی‌شک نباید از معنای میانه بودن برای «وسطاً» غفلت کرد، اما در تبیین ارائه الگویی میانه باید دقت ورزید. امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرمایند: «اليمين و الشمال مضله و الطريق الوسطی هی الجاده». در این روایت، وسط در مقابل منحرف قرار دارد. یعنی اگر انسان از راست و چپ مسیر اصلی پیش رود، قطعاً منحرف شده و راه اصلی و صحیح همان راه وسطی و راه میانه است. آیه ۱۴۲ بقره (یعنی یک آیه قبل از آیه ۱۴۳ بقره) با عبارت ﴿يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ ختم می‌شود. به نظر می‌رسد صراط مستقیم، حرکت در راهی است که نمونه عینی و عملی آن، امت وسط است. برخی تفاسیر نیز به عبارت صراط مستقیم در آیه قبل توجه ویژه‌ای نشان دادند (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۳۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۱۱). با این اوصاف تعبیر «وسطاً» در آیه مذکور، به معنای میانه‌رو در مقابل تندرو نیست و اصلاً آیه در مقام بیان ضد تندرو بودن نیست. آیاتی نظیر ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾^۲ و ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾^۱

۱. سخنرانی‌های مقام معظم رهبری (۶۹/۱/۱).

۲. واقعه: ۱۰.





﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ﴾^۲ و ﴿سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ﴾^۳ بر این حقیقت تأکید دارند که «وسطاً» به معنای این نیست که تندروی نکنید و میانه‌روی در پیش گیرید. دستور صریح قرآن بر سرعت و سبقت در امور خیر و مغفرت، با میانه‌روی سازگاری ندارد. از سوی دیگر به جا آوردن حق جهاد و تقوا بیان‌گر تلاشی نستوه است و نه میانه‌روی. قرآن کریم می‌فرماید نه تنها باید دو امر دشوار جهاد و تقوا را به جا آورید بلکه باید آن‌قدر در مسیر جهاد و تقوا خالصانه تلاش کنید که حق آن را به جا آورده باشید. کسانی که در جاده صراط مستقیم با نهایت سرعت حرکت کرده و از سایرین سبقت بگیرند، مخاطب آیه ۱۴۳ بقره و مصداق «امه وسطاً» هستند. این افراد نمایش‌گر خط اعتدال (در توجه به معنویت و نیازهای مادی بشر)، خیر و اعتدال نیز هستند.

۲. مفهوم‌شناسی ملت حنیف

در ۱۱ آیه قرآن کریم عبارت «مله حنیف» و در ۲ آیه واژه «حنفاء» مشاهده می‌شود. ملت به معنای سنت، آیین و روش است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص ۲۵۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۲۴) و در ۱۱ سوره و ۱۵ آیه قرآن به کار رفته است. در قرآن کریم ۸ بار از «مله»

۱. حج: ۷۸.

۲. آل عمران: ۱۰۲.

۳. آل عمران: ۱۳۳.

(آیین) ابراهیم(ع) سخن به میان آمده و در برخی از این آیات، همه مردم به پیروی از آن، فرا خوانده شده‌اند.^۱ حنیف به معنای حق‌گرا و معتدل در مسیر مستقیم است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۳۴۴). سیدقطب نیز در تفسیر آیه «فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» حقیقت دین ابراهیم(ع) را خالص از هر گونه شرکی می‌داند (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۳۴)، همان‌طور که در ادامه آیه نیز با عبارت «مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» بر این مطلب تأکید شده است. در قرآن کریم، ملت حنیف به حضرت ابراهیم(ع) منتسب شده و با عبارت «مله ابراهیم» بدان تصریح شده است. این انتساب از سوی هیچ‌یک از مفسران مورد تردید واقع نشده است؛ لیکن انحصار ملت حنیف در آیین ابراهیم(ع) محل تأمل است. با توجه به آیاتی که مخاطبان قرآن و حتی پیامبر خاتم را به تبعیت از «مله حنیف» فرا می‌خواند، به نظر می‌رسد ملت حنیف ناظر به حقیقت دیگری باشد. با این‌که حنفاء در تاریخچه جزیره العرب در قبل از اسلام تشکیلات سیاسی و نظام‌مند نداشتند (تابان، ص ۱۰۲)، اما طبق نص صریح قرآن کریم، هر یک از یهودیان و مسیحیان تلاش می‌کردند تا خود را در زمره پیروان ابراهیم(ع) معرفی کنند.^۲ از سوی دیگر پاسخ قرآن به اهل کتابی که خود را هدایت‌یافته معرفی می‌کردند این بود که

۱. «فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» (آل عمران: ۹۵) و «أَنْ تَتَّبِعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» (نحل: ۱۲۳).

۲. «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا...» (آل عمران: ۶۷).





هدایت فقط در آیین ابراهیم است^۱ و هر یک از یهودیان و مسیحیان بر سر این که ملت حنیف متعلق به کدام یک از آنهاست، به نزاع می پرداختند. آیین قراین نشان می دهد مقام ابراهیم (ع) و جایگاه آیین حنیف بسی عظیم بوده است. در این پژوهش برای دستیابی به مفهوم صحیحی از ملت حنیف، ۱۶ آیه قرآن کریم که واژگان «ملء»، «حنیف» و «حنفاء» در آنها وجود دارد، بررسی شده است. حنیف به معنای چیزهایی است که از دو طرف افراط و تفریط به وسط می آیند و به آن سو متمایل می شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۵۲۷). حنفاء در قرآن به مردمی اطلاق می شود که از اغیار روی برگردانده و به سوی خدا آمدند (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۰۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۵۲۷). ملت حنیف به معنای آیین توحیدی خالص است که از هر نوع شرکی به دور است (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۱۱، طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۷۵؛ مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۹۴). بعضی مفسران همانند سیدقطب در تفسیر آیات ملت حنیف، آن را «الاسلام الخالص الصریح» نیز معنا کرده اند (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۷۶۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۷۶). ارتباط ملت حنیف و آیه ۷۸ سوره حج، نکته قابل توجهی است که بعضی مفسران بدان اشاره کرده اند. این آیه دعای حضرت ابراهیم (ع) است: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ، وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّهَ

۱. «وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا...» (بقره: ۱۳۵).

۲. «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ...» (آل عمران: ۶۵).

مُسْلِمَهُ لَكَ...». به نظر می‌رسد حضرت ابراهیم(ع) از خداوند امت مسلمه‌ای را درخواست کرده که از ملت حنیف پیروی کنند و خالص از هرگونه شرکی و مخلص درگاه الهی باشند. چه این که مراد از اسلام را دین مبین اسلام بدانیم یا این که تسلیم شدن در برابر خداوند معنا کنیم، به نظر می‌رسد تفاوت چندانی در درک معنا و مضمون آیات ملت حنیف ندارد. از یک سو مطابق آیه ۸۵ سوره آل عمران هیچ دینی در آخرت غیر از اسلام پذیرفتنی نیست. از سوی دیگر در آیات دیگری همگان به پیروی از ملت حنیف امر شدند که نشان‌دهنده آن است که اسلام و ملت حنیف، ناظر به یک مطلب هستند و دو مسیر جدا از یکدیگر نیستند. اگر اسلام را تسلیم شدن معنا کنیم، با معنای حنیف سازگاری دارد، زیرا ملت حنیف به سوی حق و اعتدال و پرهیز از شرک راهنمایی می‌کند و این چیزی جز تسلیم شدن در پیشگاه الهی نیست. در روایتی از امام صادق(ع)، مسلم در قرآن به اهل بیت(ع) تفسیر شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۵۸۲) که البته می‌تواند مصداق کامل و اتم مسلمین و تبعیت‌کنندگان باشد.

ملت حنیف، آیینی حق‌گرا و توحیدی و مطابق با فطرت آدمی است و به همین دلیل با عبارت «دین قیّم» در قرآن ذکر شده است.^۲ چون

۱. «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ...».

۲. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا. فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي...» (روم: ۳۰) و «قُلْ: إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: ۱۶۱).



آیینی که مبتنی بر فطرت است، به بهترین وجهی قائم به مصالح دنیا و آخرت انسانی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۲۴۰). با توجه به آن که خداوند متعال همهٔ مردم و حتی رسول خاتم را به پیروی از ملت حنیف فرا می‌خواند، به نظر می‌رسد منظور از آن، دین خاصی نیست؛ چرا که اگر همهٔ مردم و پیروان پیامبر خاتم و حتی خود حضرت ختمی مرتبت هم باید از چنین دینی پیروی کنند، پس فلسفهٔ نزول قرآن و ارسال پیامبر خاتم نعوذ بالله بیهوده است. پیامبری که کامل‌ترین دین را با خود به همراه آورده است، چگونه ممکن است به ایشان دستور داده شود که از دین پیامبری از چندین نسل قبل پیروی کنند؟! حقیقتی در ملت حنیف نهفته که در همهٔ ادیان و در آیین رسالتی همهٔ پیامبران مشترک است. همهٔ انسان‌های حق‌گرای عالم، پیروی‌کنندگان ملت حنیف هستند. رمز این اشتراک در فطرت نهفته است. فطری بودن ملت حنیف، نظر بسیاری از مفسران شیعه و سنی است (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۴۴۶؛ مکارم، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۹۸). فطرت همان حقیقت مشترک میان تمامی انسان‌ها در تمامی زمان‌هاست. ملت حنیف آیینی توحیدی و حق‌گراست و فطرت آدمی به سوی توحید و حقیقت تمایل دارد و هر انسانی از اعماق وجودش، خواهان حق و حقیقت است. آن‌هایی که به دنبال حقیقت می‌روند و توحیدی عمل می‌کنند، در حقیقت از ملت حنیف پیروی می‌کنند.



۳. تبیین جایگاه ملت حنیف و امت وسط در نظام تمدنی امت

در آیه ۱۴۳ سوره بقره خداوند متعال از امت ویژه‌ای با عنوان «امه وسطاً» یاد می‌کند. صاحب‌نظران درباره مصداق «امه وسطاً» در آیه مذکور، نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند. قدر مشترک همه این نظرات بر آن است که منظور از امت وسط در این آیه، مطلبی فراتر و غیر از لفظ امت در سایر آیات است. امت در قرآن کریم واژه‌ای اجتماعی است که حکایت از مجتمع‌های وسیع انسانی می‌کند. جماعتی از انسان‌ها که به سوی هدف خاصی در حال حرکت هستند. از میان واژگان اجتماعی قرآن نظیر بلد، قریه، مدینه و... امت کلان‌ترین و جامع‌ترین نظام مناسبات انسانی است. در آیه ۱۲۳-۱۲۰ سوره نحل، خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را به تنهایی امت می‌خواند و پس از ذکر ویژگی‌های ایشان در آیات بعدی به پیامبر خاتم دستور می‌دهد که از ملت حنیف ابراهیمی تبعیت کند. در آیه ۹۵ آل عمران نیز خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که همگان را به پیروی از ملت حنیف ابراهیمی امر کند. دستور الهی مبنی بر تبعیت از ملت حنیف ابراهیم به دو صورت در قرآن بیان شده است؛ یک بار پیامبر خاتم مخاطب این دستور است^۱ و بار دیگر جماعتی بیش از دو نفر مخاطب این دستور قرار گرفتند. «امه وسطاً» تنها در یک آیه ذکر شده اما ملت حنیف در چندین آیه



۱. «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعِ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا...» (نحل: ۱۲۳).

بیان شده است. قرآن همان‌گونه که در آیه ۱۴۳ بقره، مصادیق امت وسط را با عنوان شاهد خطاب کرده، در آیه ۷۸ سوره حج نیز تبعیت‌کنندگان از ملت حنیف ابراهیمی را نیز شاهد خطاب کرده است. به نظر می‌رسد برای درک ارتباط امت وسط و ملت حنیف باید نظرات مفسران درباره مصادیق آیه ۷۸ سوره حج بررسی شده و سپس (این نظرات) با نظرات تفسیری آیه ۱۴۳ بقره مقایسه شود؛ تا از این طریق مخاطبان آیه ﴿فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾ (آل عمران: ۹۵) نیز کشف شوند. درباره این‌که آیا مخاطبان آیه ۱۴۳ بقره همان مخاطبان آیه ۷۸ سوره حج هستند و مصادیق هر دو آیه یکی است، سه احتمال متصور است:

الف) فقط اهل بیت (ع) از ملت حنیف تبعیت می‌کنند

آیه ۷۸ سوره حج با عبارت ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾ جماعتی را مخاطب قرار داده است. بعضی تفاسیر با استناد به روایت‌هایی از معصوم (ع)، مخاطب آیه ۷۸ سوره حج را اهل بیت (ع) می‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۸۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۹۰۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۹۰۹). روایتی نظیر «عنه: عن علی بن ابراهیم، عن اُبیهِ، عن محمد بن اُبی عمیر، عن ابن اُذینه، عن برید العجلی، عن اُبی جعفر (ع)، قلت: قوله تعالی: یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّکُمْ وَافْعَلُوا الْخَیْرَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ * وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ



اجْتَبَاكُمْ؟ قَالَ: «إِنَا عَنِى، وَنَحْنُ الْمُجْتَبُونَ، وَ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِى الدِّينِ مِنْ حَرْجٍ، فَالْحَرْجُ أَشَدُّ مِنَ الضِّيقِ، مَلَّهَ أَبَيْكُمْ إِبْرَاهِيمَ إِنَا عَنِى خَاصَهُ هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ [اللَّهُ سَمَانَا الْمُسْلِمِينَ] مِنْ قَبْلُ فِى الْكُتُبِ الَّتِى مَضَتْ وَ فِى هَذَا الْقُرْآنِ لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَرَسُولُ اللَّهِ (ص) الشَّهِيدَ عَلَيْنَا بِمَا بَلَّغْنَا عَنْ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، وَ نَحْنُ الشُّهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ صَدَقَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَدَقْنَا، وَ مَنْ كَذَبَ كَذَبْنَا». (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۹۱۰). در این روایت چندین بار بر این که مراد از این آیه ما اهل بیت هستیم، تأکید شده است. با قرار دادن این دسته از روایات در کنار روایات آیه ۱۴۳ بقره، چنین دریافت می شود که تنها اهل بیت (ع)، از ملت ابراهیمی پیروی می کنند. به عبارت دیگر اگر مخاطبان (مصادیق) آیه ۱۴۳ بقره و آیه ۷۸ حج را منحصر در اهل بیت (ع) بدانیم، پس فقط اهل بیت (ع) توانستند از ملت حنیف تبعیت کنند و شاید آن ها از راه تبعیت از ملت حنیف به مقام امت وسط نائل شده باشند و حنیف بودن شاخصه ای است که فقط در امت وسط متبلور شده است.

ارزیابی

مطابق روایات، اهل بیت (ع) مصداق اتم و کامل آیه ۱۴۳ بقره و ۷۸ سوره حج هستند. بنابراین اهل بیت (ع) امت وسط هستند و از ملت حنیف پیروی می کنند. لیکن انحصار این آیات در اهل بیت (ع) محل





بررسی است. در آیه ۹۵ سوره آل عمران عبارت «فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» وجود دارد. سیاق این آیه در مقام پاسخ به یهودیان است. یهودیانی که به پیامبر خدا افترا می بستند و خداوند به پیامبرش دستور می دهد در پاسخ به افترای آن ها بگوید: «(قُلْ) صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ». پس پیامبر به یهودیان فرمود از ملت حنیف ابراهیمی تبعیت کنید. این خطاب جمعی به یهودیان در قرآن کریم نشان می دهد که سایر مردم نیز توانایی پیروی از ملت حنیف را دارند. مطابق آیه ۶۸ آل عمران نیز اتباع از ملت حنیف فقط به مقام پیامبر یا اهل بیت خلاصه نمی شود و انحصاری در میان نیست، بلکه بقیه افراد هم می توانند در این جایگاه قرار بگیرند. از برآیند این آیات چنین دریافت می شود که تبعیت از ملت حنیف منحصر در اهل بیت (ع) نیست.

ب) فقط مسلمانان از ملت حنیف پیروی می کنند

بعضی مفسران، مخاطبان آیه ۷۸ سوره حج را مسلمانان می دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۵۵؛ فخر رازی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۲۵۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷، ص ۱۴۲). عبارت «هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا» در این آیه دلیلی برای این دسته از مفسران است. به عنوان مثال فخر رازی در التفسیر الکبیر، مخاطب این آیه را مسلمانان می داند

۱. «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا...».

و دو قول را برای مرجع ضمیر «هو» در این عبارت ذکر می‌کند. در قول اول، ضمیر به ابراهیم برمی‌گردد و این عبارت، استجابت دعای حضرت ابراهیم (ع) در آیه ﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ...﴾^۱ است و در قول دوم این ضمیر به خداوند تبارک و تعالی برمی‌گردد. در تفسیر آیه ۱۴۳ بقره نیز بعضی مفسران، مصداق آیه را همهٔ مسلمانان و یا حتی اصحاب پیامبر، تابعان و اهل سنت بیان کرده بودند. به نظر می‌رسد می‌توان نظرات تفسیری آیه ۱۴۳ بقره را در کنار نظر مفسرانی نظیر طبرسی، فخر رازی و طبری در تفسیر آیه ۷۸ سوره حج، قرار داد و احتمال دوم را چنین بیان کرد؛ ملت حنیف در میان تمام مسلمانان ساری و جاری است و همهٔ مسلمانان در درجهٔ اتباع ملت حنیف ابراهیم هستند و از همین راه به مقام امت وسط نائل شده‌اند. بر اساس این احتمال (نظر) فقط امت وسط که همان مسلمانان هستند، توانایی اتباع از ملت حنیف را دارند. پس علاوه بر آن‌که منظور از «امه وسطاً» همهٔ مسلمانان هستند، فقط مسلمانان از ملت حنیف پیروی می‌کنند.

ارزیابی

در آیه ۹۵ آل عمران، یهودیان، ملزم به پیروی از ملت حنیف شدند پس انحصار تبعیت از ملت حنیف به مسلمانان صحیح نیست. مطابق





آیه ۶۸ آل عمران، نزدیک ترین مردم به ابراهیم (آیین ابراهیمی) کسانی هستند که از ایشان پیروی می کنند. معیار ابراهیمی بودن و از پیروان ابراهیم (ع) بودن، دین خاصی نیست؛ بلکه هر فردی از هر دینی ممکن است به سبب تبعیت از ملت حنیف ابراهیم در این جرگه قرار گیرد. البته در ادامه آیه، پیامبر خاتم و مؤمنان به پیامبر خاتم را به طور مشخص از پیروان ذکر می کند. بی شک اگر حنیف بودن را فقط در میان مسلمانان بررسی کنیم، نقش بقیه ملت ها و کشورها و جایگاه آن ها در مدار امت را نتوانستیم نشان دهیم و گویا اصلاً آن ها جایی در امت ندارند. اگر امکان آن وجود ندارد که آن ها نیز از ملت حنیف پیروی کنند، پس چرا قرآن به پیامبر تأکید می کند در استدلال هایش حنیف بودن ملت ابراهیم را گوشزد کند؟ ﴿قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾ همه قرائن ذکر شده در ارزیابی دو احتمال اول، نشان می دهد که امر به تبعیت از ملت حنیف دایره وسیعی از انسان ها را تشکیل می دهد که به گروه محدودی خلاصه نمی شود.

ج) دیدگاه معیار

از یک سو جایگاه ویژه اهل بیت (ع) در نظام امت، ایفای نقش امت وسط و پیروی کنندگان ملت حنیف پذیرفتنی است و با روایات فراوانی که در ذیل تفاسیر آیات ۱۴۳ بقره و ۷۸ حج مشاهده شد، بر آن تأکید

می‌شود. از سوی دیگر جایگاه مسلمانان در نظام امت نسبت به سایر ادیان نیز مورد توجه مفسران بسیاری بود که نباید از ذکر این دو نکته مهم و قابل توجه غافل بود. با توجه به نظر مختار درباره «امه وسطاً»، اهل‌بیت (ع) و بزرگان خاصی که همگام با اهل‌بیت (ع) پیش می‌روند، در جایگاه ویژه امت وسط در نظام تمدنی امت قرار دارند. بی‌شک اینان، نه تنها مصداق بارز و ویژه پیروی‌کنندگان ملت حنیف هستند، بلکه در درجه بالای اتباع از ملت حنیف قرار دارند. امت وسط، برگزیدگان امت هستند. آیه ۷۸ سوره حج، همانند آیه ۱۴۳ بقره ناظر به گروه خاصی از افراد امت است و به نظر می‌رسد این دو آیه مصادیق مشابهی دارند. به نظر می‌رسد هر دو آیه ناظر به جایگاه ویژه اهل‌بیت (ع) و همگامان ایشان است که با لفظ «هو اجتباکم»، بر آن تأکید می‌شود؛ خداوند این گروه ویژه را برگزیده است تا امر خطیری را انجام دهند. مفسران شیعی و سنی در تفسیر آیه ۱۴۳ بقره به عبارت «وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا» استناد کرده بودند. در آیات ۱۲۳-۱۲۰ سوره نحل خداوند حضرت ابراهیم (ع) را به تنهایی یک امت می‌خواند. در ادامه در آیه ۱۲۱ سوره نحل، خداوند برای حضرت ابراهیم (ع) لفظ «اجتبا» را به کار برده است. وجه برگزیده بودن امت برای حضرت ابراهیم (ع) و مخاطبان آیه ۷۸ سوره نحل بیان شده است. در آیه ۱۴۲ بقره نیز عبارت «يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» قبل از خطاب قرآن به «امه وسطاً» مشاهده می‌شود. افراد برگزیده درگاه الهی یعنی





ابراهیم(ع) و یارانش، به صراط مستقیم هدایت شدند. آنان نمونه‌های برگزیده‌ای برای هدایت سایر مردم در صراط مستقیم هستند. قانت (فرمان‌بردار خداوند)، حق‌گرا، توحیدمدار و شاکر واقعی خدا بودن، اوصاف بارز و مهم حضرت ابراهیم(ع) و یاران ابراهیمی اوست که آن‌ها را به چنین مقامی رسانده است. عظمت وجودی حضرت ابراهیم(ع) به حدی است که در زمان خودش، امتی بی‌نظیر و در اعصار بعدی، ملت حنیف ابراهیمی، آیین همگانی همه انسان‌های آزاده جهان شده است. ایشان در زمانه‌ای که تنها برای خدا قیام می‌کرد، از خداوند متعال، امت مسلمه‌ای خواست و مطابق آیه ۷۸ سوره حج خداوند نیز دعای ایشان را در عصر پیامبر خاتم استجابت نمود. خداوند در قرآن، مخاطبان آیه ۷۸ سوره حج را با عبارت «مِلَّةَ اِبْرٰهٖمَ»، «مسلم» و «شاهد» نام می‌برد. امت وسط همان شاهدان و امت مسلمه‌ای هستند که قرآن به عنوان نمونه‌های برگزیده‌ای برای سایر افراد امت، معرفی می‌کند تا همگان در مسیر آنان گام نهند.

مطابق آیات ۱۳۵ و ۱۳۶ بقره، ملت حنیف وجه اشتراک ادیان الهی است و عبارت «لَا تُفَرِّقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِنْهُمْ»، تأکیدی بر این حقیقت است. این آیات، دستوری برای همگان است تا در زیر لوای واحدی گردآیند

۱. «وَقَالُوا كُونُوا هُودًا اَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا ...» (۱۳۵) «قُولُوا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَ مَا اُنْزِلَ اِلَيْنَا وَ مَا اُنْزِلَ اِلٰى اِبْرٰهٖمَ وَ اِسْمَاعِیلَ وَ ... لَا نُفَرِّقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (۱۳۶).

و تمدنی توحیدی بر پا کنند. علامه طباطبایی رحمته الله دسته‌بندی‌های دینی به یهودی، نصرانی و... را همگی ساخته هوا و هوس بشری می‌داند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۷). «همان‌طور که خدا یکی است، دین نیز یکی است و انشعابات همگی برخاسته از اغراض دنیوی هواپرستان است. ملت ابراهیم، فطری و ملت واحده‌ای است که تمامی انبیاء شما از ابراهیم گرفته تا بعد، همه بر آن ملت بوده‌اند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۹).

دستور عمومی قرآن با عبارت «فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا»! حجم وسیعی از انسان‌ها را شامل می‌شود. حنیف به معنای حق‌گرایی و توحیدمداری است و در بیش‌تر آیات ملت حنیف، با عبارتی نظیر «وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» بر مقصود و معنای آن تأکید شده است. در آیات ۶۴ تا ۶۸ آل عمران نیز خداوند اهل کتاب را به حقیقت یکسان و مشترکی در میان همه ادیان توحیدی دعوت می‌کند «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ». حقیقت توحیدمداری رمز اتصال و وحدت افراد امت است. نظام تمدنی امت در عده محدودی خلاصه نمی‌شود، بلکه انسان‌های زیادی در گستره وسیع امت قرار می‌گیرند. این افراد باید به ملت حنیف پایبند باشند تا بتوانند نقش و سهم خود را در مسیر حرکت امت





ایفا کنند. اتباع از ملت حنیف، از حقیقت مشترکی میان همه انسان‌ها خبر می‌دهد که همانا فطرت است و اگر همگان به ندای فطرت پاک خویش پاسخ مثبت دهند، حق‌گرا و توحیدی عمل کرده و به ملت حنیف پایبند بوده‌اند. حال فرقی نمی‌کند یهودی، مسیحی یا مسلمان باشند. حنیف بودن همانند رشته‌ای است که به کل ساختار هرم، نظام می‌دهد و همه را به هم متصل می‌کند، اما دارای درجات است. اهل‌بیت(ع) که مظهر توحیدگرایی ناب هستند، در مرتبه بالایی اتباع از ملت حنیف قرار دارند، ولی بقیه افراد نیز به فراخور خود از حد نازل‌تری از حنیف بودن، برخوردارند. رأس هرم امت، اهل‌بیت(ع) هستند که سکان‌دار امت بوده و بقیه افراد هم بر اساس مرتبه اتباع از ملت حنیف، جایگاه و نقش دارند. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تفسیر آیه ۱۶۱ انعام، صفت قیّم برای دین را به جهت قیام دین برای مصالح بندگان می‌داند. علامه دلیل قیّم بودن را در فطری بودن ملت حنیف ذکر می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۹۴). فطرت همان حقیقت مشترک تمامی انسان‌ها در هر عصر و زمانی است و ملت حنیف سازگار با فطرت حقیقت‌جوی آدمی است و لذا خداوند در آیه ۳۰ سوره روم چنین می‌فرماید: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

۱. «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا...».

لَا يَعْلَمُونَ» «پس حق‌گرایانه روی دل خود را به سوی این دین (اسلام) کن همان طریقه و آیین فطری خدا که مردم را بر پایه آن آفریده و سرشته، هرگز تبدیلی در آفرینش (تکوینی) خدا نباشد (و در آیین تشریعی او هم نباید باشد)، این است دین ثابت و استوار، و لکن بیش‌تر مردم نمی‌دانند). ملت حنیف از فطرتی برخاسته که خداوند مردم (النَّاسِ) را بر آن فطرت خلق کرده و در این خلقت تغییری نیست. ملت حنیف همان دین قیّم است که همگان را در یک‌جا جمع می‌کند و گره مستحکم الهی در میان بندگان است. راه تبعیت از ملت حنیف همیشه به روی انسان‌ها باز است و همه انسان‌ها باید از آن تبعیت کنند. آن راهی که بین مسلمانان و همه انسان‌های حق‌گرای عالم مساوی است، همین راه تبعیت از ملت حنیف است و همه کسانی که از این ملت پیروی می‌کنند، در امت جای دارند. همه افراد امت باید قرارداد ﴿أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَلاَ نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَلاَ يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ را ببندند. البته برای رسیدن به مقام بالای اتباع از ملت حنیف، باید به مقام امت وسط رسید؛ ﴿إِنَّ أَوَّلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ یعنی پیامبر خاتم و مؤمنان به این پیامبر، از همه شما اولی‌تر در تبعیت از ابراهیم (ع) هستند. هنگامی که آیه ۱۲۵ نساء^۲

۱. آل‌عمران: ۶۸.

۲. «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ

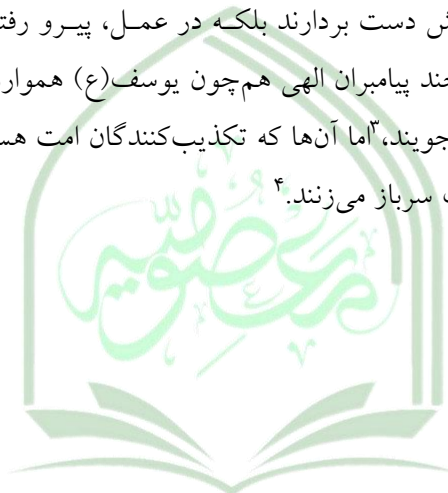


را در کنار آیه ۸۵ آل عمران قرار می‌دهیم، درمی‌یابیم بهترین دین، اسلام است. مسلمانان به جهت تبعیت از پیامبر خاتم نسبت به سایر انسان‌های حق‌گرای عالم در درجه بالاتری قرار دارند. البته نباید از این نکته مهم غافل شد که مطابق آیه ۱۸ حجرات، منظور از اسلام، مسلمانی در ظاهر و به لفظ نیست. اسلامی که از ایمان واقعی خبر دهد و در عمل صالح نمود کند، آن اسلام مدّ نظر است. همان‌گونه که قرآن برای یهودیان و مسیحیان به صرف یهودی و مسیحی بودن‌شان، آن‌ها را هدایت‌یافته نمی‌دانست، برای مسلمانان نیز چنین است.

خَلِيلاً.



باشد و اساساً امت با ایمان بدون عمل ایجاد نمی‌شود. ایمان امری درونی است و آنچه نمود ایمان است، عمل شخص است. در آیه ۸۸ سوره اعراف^۱ و ۱۳ ابراهیم،^۲ درخواست مشرکان از پیامبر زمان‌شان همین است که به آیین آن‌ها (مِلَّتِنَا) برگردند و طبعی است که آن‌ها از پیامبرشان تبعیت ایمانی و عملی می‌خواهند. یعنی نه تنها پیامبران از ایمان خویش دست بردارند بلکه در عمل، پیرو رفتار مشرکان نیز باشند. هرچند پیامبران الهی هم‌چون یوسف (ع) همواره از آیین مشرکان بیزار می‌جویند،^۳ اما آن‌ها که تکذیب‌کنندگان امت هستند، از پذیرش ملت حنیف سرباز می‌زنند.^۴



موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (خواران)

۱. «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا...».
۲. «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا».
۳. «إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ» (یوسف: ۳۸-۳۷).
۴. «مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ» (ص: ۷).



نتیجه گیری

امر الهی مبنی بر تبعیت پیامبر خاتم از ملت حنیف ابراهیمی، مسأله‌ای مهم و قابل توجه است. با این‌که اولین و مهم‌ترین اصل اسلام، توحید و پرهیز از شرک است، اما خداوند متعال همگان را به پیروی از ملت حنیف فرا می‌خواند. ملتی که وحدتی بی‌نظیر در کرانه عالم پدید می‌آورد و همه مردم حق‌گرا و توحیدی عالم را در لوای یک امت جمع می‌کند تا بزرگ‌ترین اجتماع بشری (تمدن) خلق شود. رمز این امر الهی، ایجاد نظام تمدنی توحیدی یعنی امت منسجم توحیدی است.

بسیاری از مفسران مصداق امت وسط در آیه ۱۴۳ بقره و ملت حنیف در بیش از ده آیه قرآن کریم را بررسی کردند. این پژوهش با قرار دادن این آیات کنار یکدیگر و بررسی ارتباط میان این آیات، از نظام تمدنی عظیم فرازمانی و فرامکانی در قرآن کریم پرده برداشته که تاکنون هیچ پژوهشی بدان نپرداخته است. امت، آبر نظام مناسبات انسانی است که بر پایه ملت حنیف ابراهیمی استوار است. همه انسان‌های حق‌گرای عالم در هر مکان و هر زمانی جزو این مجموعه عظیم هستند. موحدان حق‌گرای عالم با ایمان و عمل صالح خویش، بر اساس جایگاه خود در نظام امت نقش ایفا می‌کنند. هر انسانی بر اساس درجه اتباعش از ملت حنیف و به تبع ایمان و عمل صالحش، جایگاهی در نظام امت دارد. نظام امت همانند هر نظام دیگری جایگاه‌های بلندمرتبه،



معمولی و... دارد. آنچه از این آیات برداشت می‌شود چنین است که جایگاه‌های رفیع امت، سکان‌داران و هدایت‌گران امت در قرآن با عنوان «امه وسطاً» نامیده می‌شوند. این آیات وظیفه اجتماعی هر انسانی را در قبال ایجاد امت منسجم توحیدی روشن می‌کند. در این میان مسلمانان، وظیفه خطیری در تشکیل نظام امت دارند. طبق دستور قرآن کریم، مسلمانان باید زمینه تشکیل امت در کل عالم را فراهم کنند. امتی که در آن، مصادیق امت وسط، جایگاه عظیم راهنمایی سایر افراد امت را دارند و بقیه افراد حق‌گرای عالم در زیر لوای امت ایفای نقش‌آفرینی می‌کنند.

هر مسلمان حق‌گرا نه تنها نسبت به سایر مسلمانان موظف است بلکه نسبت به همه انسان‌های حق‌گرای عالم نیز باید احساس مسئولیت کند. به دستور قرآن مسلمانان باید با وحدت خود، همه انسان‌های حق‌گرای عالم را در زیر لوای ملت حنیف ابراهیمی گردآورند و با تبعیت از الگوهای عملی و برتر امت (مصادیق امت وسط)، عدالت را در سراسر گیتی برقرار کنند. تمدنی که قرآن در هزار و چهارصد سال پیش به تصویر می‌کشد، همه انسان‌ها را در کل جهان دربرمی‌گیرد؛ از ابراهیم (ع) که هزاران سال قبل از اسلام می‌زیسته تا انسان‌های حق‌گرای امروز و فردایی که هنوز نیامده است را شامل می‌شود.



فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. آلوسی، سید محمد (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی.
۳. ابن درید، محمد بن الحسن (۱۹۸۸م)، جمهره اللغه، بیروت: دار العلم للملایین.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقایس اللغه، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۶. ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
۷. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. بابایی، حبیب الله (۱۳۸۸)، جستاری نظری در باب تمدن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. بابایی، حبیب الله (۱۳۹۴)، کاوش های نظری در الهیات و تمدن، قم:



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.

۱۱. بغوی، حسن بن مسعود (۱۴۲۰ق)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۲. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶)، مقدمه الادب، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.

۱۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۱۴. شاذلی، سید بن قطب ابن ابراهیم (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت؛ قاهره: دار الشروق.

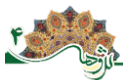
۱۵. صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، تحقیق و تصحیح محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.

۱۶. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.

۱۷. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۱۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.

۱۹. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۲۰. عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۴۳۱ق)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن
الکریم، قاهره: دار الکتب المصریه.
۲۱. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین،
قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۲. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)،
بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۲۴. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات
الصدر.
۲۵. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب
الشرح الکبیر للرافعی، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۲۶. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی
از قرآن.
۲۷. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق و
بحر الغرائب، تهران: سازمان انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۸. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر
القاموس، بیروت: دار الفکر.
۲۹. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم،
بیروت؛ قاهره؛ لندن: دار الکتب العلمیه.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب



مقالات

۳۱. تابان، جعفر (۱۳۷۹)، دین حنیف از دیدگاه قرآن، صحیفه مبین،

شماره ۲۳.

۳۲. خوشمنش، ابوالفضل (۱۳۹۳)، ام القرى پایگاه جهانی امت وسط،

پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۴۷.

۳۳. سوزنجی، حسین (۱۳۸۶)، رهنمودهایی از تفسیر المیزان: امت

وسط یا امت واسطه، رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، شماره

۶۴.

۳۴. غیاثی، نقی؛ نیازی، قدرت‌الله (۱۳۹۵)، امت وسط از دیدگاه مفسران

فریقین، مطالعات تفسیری، شماره ۲۵.

